

مقایسه تقصیر در مسئولیت مدنی و کیفری

محمود باوی*

مجید بهمنی**

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۴

چکیده

بطور قطع و یقین، قانون‌گذاران در هر جامعه‌ای دایما به لحاظ تغییرات در اوضاع و احوال یک جامعه، قوانینی را وضع و به مرحله‌ی اجرا در می‌آورند، تا اینکه افرادی که باعث اختلال و بی‌نظمی در جامعه می‌شوند. از این رهگذر متخلفین از قانون چه در حوزه‌ی قوانین مدنی و چه در حوزه‌ی قوانین کیفری به سزای اعمال خود برسند. از جمله‌ی این قوانین که توسط محققین و دکترین حقوق جمع‌آوری و قانون‌گذاران یک جامعه آن‌را به مرحله اجرا می‌گذارند. قوانین مسئولیت مدنی و کیفری است که در هر جامعه‌ای برای متضررین از جرم و جنایت ثابت و پایدار می‌شود که به واسطه‌ی این قانون، افراد بتوانند به حقوق مادی و معنوی خود برسند. در این میان می‌توان گفت که مسئولیت مدنی و کیفری قاعدتا نهادی است که برای جبران خسارات و تسکین آلام زیان دیده در حوزه‌ی خسارات مادی و معنوی پایه‌گذاری و ثابت شده است. نهادی که شرایط و مقتضیات زمان و مکان آن را ثابت و لازم الاجرا می‌نماید. به نظر می‌رسد که شیوه و روشی که عده‌ای از حقوق‌دانان در جهت رسیدن به این مقتضای زمان لازم دانسته‌اند، در واقع چاره و گریزی است برای تحقق عدالت و به جریان انداختن روح قوانینی که در آن وجود دارد. رکن تقصیر چه در مسئولیت مدنی و چه در مسئولیت کیفری، بعنوان یکی از ارکان ضروری موضوع مسئولیت است که از طرف عمده‌ی حقوق‌دانان برجسته و بنام به‌ویژه، شادروان دکتر ناصر کاتوزیان بیان شده و ضرورت اثبات و تحقق آن را از طرف زیان دیده به‌عنوان یکی از شرایط ضروری و لازم تحقق مسئولیت مدنی و کیفری الزامی دانسته‌اند. با نگرش و مطالعه و تفحص به مقالات فقهی و روایات، این موضوع به ذهن هر انسانی متبادر می‌شود که وجود قواعدی چون لاضرر، اتلاف و تسبیب که اثبات کننده‌ی رابطه‌ی فعل انتسابی به زیان زننده است، بدون تاکید و توجه بر عنصر تقصیر هر چند شاید ممکن باشد ولی اثبات رکن انتسابی آن موثر خواهد بود. یعنی بطور قطع باید عنصر تقصیر از طرف زیان دیده اثبات شود. لذا نگارنده در این مقاله می‌کوشد تا اینکه نظرات حقوق‌دانان که در این زمینه به رشته‌ی تحریر در آمده را مورد قضاوت و کنکاش قرار دهد تا از این سوی بتواند برای دیگر مخاطبین و دانشجویان محقق، چاره‌ای برای مطالعه و کاوش پیدا نماید.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی - مسئولیت کیفری - تقصیر

* هیات علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

مقدمه

به موجب قواعد مسلم و روشن حقوقی، هر انسانی مسئول عمل خویش است. این قاعده مطابق مفهوم ماده ۳ قانون مجازات اسلامی اردیبهشت ۱۳۹۲ و همچنین به صراحت ماده ۱۴۱ قانون اخیرالذکر (ماده ۱۴۱ ق.م.ا.م.صوب ۱۳۹۲ «مسئولیت کیفری، شخصی است»). اشاره شده و اعلام نموده که هر شخص مسئول عمل خویش است، یعنی هر کسی فعلی را مرتکب شده که در قانون برای آن جرم مشخص شده (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) در این حالت برای آن شخص مسئولیت، چه مدنی و چه کیفری در نظر گرفته می شود. و اصل شخصی بودن مسئولیت بر مبنای این قاعده است که هیچ کس را نمی توان برای فعلی که دیگری مرتکب شده است مسئول دانست.

در حقوق مدنی قاعده کلی و الزامی بر این اساس است که هر کس زیانی به دیگری وارد نموده است، آن شخص ضامن خسارتی است که به بار آورده است. و در نتیجه باید آن خسارت را جبران نماید. منتهای مراتب در حقوق مدنی گاهی اشخاصی وجود دارند که خود مسئول جبران خسارت هایی هستند که ناشی از فعل خود نیستند، بلکه ناشی از افعال و رفتار دیگران است که خود در ایجاد این فعل زیانبار دخالتی ندارند. به عنوان مثال: مواردی که نگهداری و مواظبت از مجنون یا صغیر بر عهده اشخاصی سپرده شده است. که در این حالت کلیه خسارتهای وارده از طرف صغیر یا مجنون بر عهده ی آن شخص مسئول نگهداری، خواهد بود. (ماده ۷ ق.م.م.صوب ۱۳۳۹) ولی تفاوتی که در مسئولیت کیفری با مسئولیت مدنی وجود دارد، در شیوهی آیین دادرسی آن است که برخلاف مسئولیت مدنی که به محض اتلاف و ضرر توسط زیان زننده، مسئولیت محقق خواهد شد. ولی در مسئولیت کیفری و به ویژه در حقوق جزا، تا زمانی که جرم ثابت نشده باشد، کسی را نمی توان به ارتکاب جرم به مباشرت یا معاونت یا مشارکت مسئول دانست. و یا او را سبب این اتفاق دانست. همچنین در مثال فوق در خصوص مسئولیت مدنی صغیر یا مجنون که بر عهده مسئول آنها گذاشته شده است. لیکن

در مسئولیت کیفری موضوع به این شکل نیست بلکه در صورت ارتکاب جرم ناشی از مسئولیت کیفری توسط مجنون یا صغیر مطابق ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی مبرا از مسئولیت کیفری خواهند بود. بطور کلی می‌توان از این موضوعات چنین نتیجه گرفت که در مسئولیت مدنی گاهی ممکن است پیش بیاید و تصور شود که کسی که به‌عنوان تقصیرکار و مسئول جبران خسارات وارده است، تقصیری از اوسرنزده باشد. ولی براساس مناسبات خصوصی افراد آن شخص را به‌عنوان زیان‌زننده قلمداد کنند که در این صورت علی‌القاعده باید جبران خسارت وارده را بنماید. ولی در مسئولیت کیفری موضوع به این شکل نیست. بدین معنا که تصور و به یقین رسیدن این موضوع که انسان بی‌گناهی بازخواست شود و به کیفر برسد خلاف عقل و حکم است و شاید دشوار باشد. زیرا موضوع سزادهی در حقوق کیفری از موضوعاتی است که قانون‌گذار آنرا در برابر مجازات در نظر گرفته است و در واقع تاوانی است که شخص مرتکب جرم باید آنرا بر عهده بگیرد.

بخش اول : جایگاه تقصیر در مسئولیت مدنی

۱- بیان مفاهیم و تعاریف

۱-۱- تعریف مسئول: (responsible) در تعریف کلمه از نظر حقوق مدنی، جزا و اداری به معنای مواخذه، مورد سوال واقع شده و مورد بازخواست قرار گرفته شده ترجمه شده است. در شاهنامه فردوسی لغت آویخته بارها به جای مسئول به کار برده شده است. در منابع دیوان منوچهری (جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ج ۵، ص ۳۳۲) لفظ مسئول به معنای گرفتار آمده است.

۱-۲- تعریف مسئولیت: مسئولیت در لفظ حقوق به تعهدی قانونی گفته می‌شود که شخص به دلیل ضرری که به دیگری وارد نموده است باید جبران نماید. خواه این اضرار ناشی از تقصیر و کوتاهی فعل یا ترک فعلی باشد و خود مستقیماً در امر اضرار نقش داشته باشد (مباشر) یا امر ضرر به غیر ناشی از فعالیت او باشد که رفتار

اخیردر فقه به معنای ضمان بکار رفته است. که آن اعم از هر نوع مسئولیت مدنی یا کیفری می‌باشد (همان، ص ۶۴۲).

همچنین در زمینه تعریف و توضیح مسئولیت در ماده ۳۲۸ قانون مدنی به صراحت این موضوع روشن شده است که آمده: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آنرا بدهد، اعم از اینکه از روی عمد یا بدون عمد تلف کرده باشد یا عین باشد یا منفعت مال باشد و اگر آنرا ناقص یا معیوب کند ضامن قیمت آن مال است».

۱-۳- تعریف مسئولیت مدنی: اصطلاح مسئولیت مدنی در زبان کنونی حقوق ایران، نمایانگر مجموعه قواعد و لوازمی است که وارد کننده ضرر و زیان را به جبران خسارت وارده به زیان دیده ملزم و رعایت می نماید. به عبارت دیگر، هرگاه شخصی مجبور به جبران خسارت وارده به طرف مقابل (زیان دیده) باشد، می‌گویند او در برابر دیگری «مسئولیت مدنی» دارد (مازو و شاباس، ج ۲، ص ۳۷۴). بطور کلی مسئولیت و تعهد داشتن مسئولیت در قبال کاری یا تعهدی، لازمه‌ی آن، داشتن اختیار و آزادی است. زیرا انسان عاقل و آزاد می‌تواند بفهمد که از پیامد کاری که در حال انجام دادن آن است آگاه و با خبر است و می‌داند پیامد آن مسئول بودن و تعهد جبران خسارت است.

به همین دلیل، نیچه حکیم آلمانی از مسئولیت و تعهد به عنوان یک امتیاز خبر داده و همچنین عده‌ای از نویسندگان فرانسوی، انسان بی مسئولیت و بی نظم را نتیجه آشفستگی دانسته‌اند (مالوری و انس، تعهدات، ش ۲۲). بنابراین می‌توان اذعان نمود که پذیرفتن مسئولیت و تعهد شخص نسبت به جبران خسارت وارده به زیان دیده یک قاعده‌ی طبیعی و موافق با قواعد عقلی و قانونی است. بر مبنای همین مسئولیت است که رابطه‌ی دینی ویژه‌ای بین زیان دیده و مسئول (زیان زننده) بوجود می‌آید؛ یعنی زیان دیده به عنوان طلبکار و زیان زننده، به عنوان مسئول و بدهکار معرفی می‌شود. و موضوع بدهی نیز جبران خسارت است که معمولاً یا با دادن پول یا کالا انجام می‌پذیرد.

۲- انواع مسئولیت مدنی

در صفحات پیشین توضیح داده شد که مسئولیت، به مدنی و کیفری منقسم شده است و مسئولیت مدنی که موضوع بحث این قسمت از مقاله می‌باشد به مسئولیت مدنی قراردادی و مسئولیت مدنی غیرقراردادی یا ضمان قهری تقسیم شده است (کاتوزیان، ج ۱، ص ۶۰ به بعد).

۱-۲- مسئولیت قراردادی: این شیوه از مسئولیت در زمانی احراز خواهد شد که عقد بیعی بین طرفین منعقد شود. و یکی از طرفین نسبت به اجرای مفاد عقد مسامحه و کوتاهی نماید و آن عقد به مرحله اجرا در نیاید. (یزدانیان، یک جلد، ص ۴۷-۴۶) در این حالت است که می‌گویند طرف معامله نسبت به اجرای عقد سهل‌انگاری کرده و در اصطلاح تقصیر نموده است. و یا به عبارتی شخص در وفای به عهد کوتاهی نموده است که با احراز و اثبات تقصیر که در عدم ایفای تعهد ملموس و قابل اثبات است، ملزم به پرداخت خسارات وارده به طرف مقابل در معامله می‌باشد.

لذا به دلیل اینکه در این نوع قرارداد که ریشه در تعهد اصلی دارد «مسئولیت قراردادی» می‌گویند. یعنی شخص نسبت به مفاد قرارداد التزام دارد که همه‌ی ارکان و جوانب و ساز و کار قرارداد را به نحو احسن اجرا نماید. در غیر این صورت مسئول جبران خسارات وارده به طرف مقابل خواهد بود. در اصطلاح دکترین حقوق، این نوع نقض تعهد یا نقض مفاد قرارداد را «تعهد اصلی» و تعهدی که به همین واسطه بر نقض کننده متحمل می‌شود «تعهد ثانوی» می‌گویند. یعنی شخصی در اثر عدم انجام تعهد گرفتار و متحمل دو نوع تعهد خواهد شد (اقتباس قید اصلی و ثانوی از حقوق روم).

۲-۲- مسئولیت قهری :

به این نوع مسئولیت ضمان قهری یا رویدادهای حقوقی و یا الزامات خارج از قرارداد نیز می‌گویند. به صراحت این موضوع در مقالات و کتب حقوقی به‌ویژه

در نظرات دکتر ناصر کاتوزیان اشاراتی شده است. که هرگاه دو شخص هیچ پیمانی با هم نداشته باشند و یکی از آن دو شخص در نتیجهی فعل عمدی یا در نتیجهی خطا و سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی و قصور در کار به شخص دیگری زیانی وارد نماید، این مسئولیت شخص ضرر رساننده به عنوان مسئولیت غیرقراردادی تلقی می‌شود. (کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۶۵) یعنی بین زیان‌دیده و زیان‌زننده هیچگونه قرارداد یا تعهدی اعم از شفاهی یا کتبی وجود ندارد. در تکالیفی که در مسئولیت مدنی از نوع قراردادی به عهده شخص گذاشته شده به طور واضح تکالیف از قبل مشخص و محرز است و هرگاه شخص آن تکالیف را به موقع اجرا ننماید مسئول خواهد بود و نتیجه مسئول بودن نیز چیزی جز جبران خسارت وارده نخواهد بود.

ولی در مسئولیت قهری یا غیرقراردادی، شخص تکالیفش مشخص نیست و در حین انجام فعالیت‌های روزانه منجر به اتلاف و وارد کردن ضرر و زیان به شخص می‌باشد که هیچگونه تعهد و قراردادی در بین آنها نیست که در این رابطه نیز قانون‌گذار تلف را مبتنی بر جبران خسارت وارده قلمداد کرده است (کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۱۶-۱۲). برای اینکه ما بتوانیم تشخیص بدهیم که این مسئولیت قراردادی است یا مسئولیت غیرقراردادی، باید ساز و کاری را داشته باشیم تا اینکه این نوع از مسئولیت را تمیز نماییم. در تشخیص مسئولیت قراردادی دو شرط لازم است. الف) بین زیان‌دیده و عامل ورود ضرر باید قرارداد نافذی وجود داشته باشد.

ب) همچنین از شرایط جمع تمیز مسئولیت قراردادی، موضوع خسارت است که ناشی از عدم‌اجرا و ایفای تعهد است که از ناحیه زیان‌زننده جاری و جاری می‌شود ولی در تشخیص مسئولیت غیرقراردادی چاره‌ای جز استناد و استمداد از عرف و حل مشکل از طریق عرف را نخواهیم داشت چرا که در این نوع از مسئولیت «غیرقراردادی» بین زیان‌دیده و زیان‌زننده هیچگونه قراردادی در بین نیست. لذا برای تسهیل در امر مسئولیت و اثبات آن، فارغ از در نظر گرفتن عمدی یا غیرعمدی بودن آن، موضوع را به عرف محول می‌نماییم (قاسم زاده، ج ۱، ص ۱۸).

۳-تقصیر

۳-۱-تعریف تقصیر: تقصیر در لغت به معنای اختصار، کوتاه سازی، مسامحه، کوتاهی، نقیصه، کاستی و فروگذاری آمده است. مقصر به معنای کوتاه کننده و وظیفه شناس عاجز معنا شده است (ارجمند دانش، ۱۳۸۸، ج ۱، چاپ اول، ص ۱۵۳).

۳-۲-تقصیر در اصطلاح: در اصطلاح حقوق کنونی تقصیر یعنی کاری که توسط کسی انجام که عامل ورود ضرر به دیگری شده است. که این کار به صورت نامشروع و ناپسند در عرف و جامعه مورد توجه است که قابلیت انتساب به مرتکب را دارا می باشد. (مازو، ج ۲، ص ۴۴۳) پس از این، اصطلاح تقصیر چنان به نظر می رسد که شخص در برابر کوتاهی و مسامحه عمل خود (فعل یا ترک فعل) مجبور به جبران خسارت وارده به زیان دیده می باشد. لذا از این نظریه چنان بر می آید که انسان باید مواظب رفتار و کنش های خود در سطح جامعه باشد تا دچار و گرفتار پرداخت غرامت و خسارت به دیگری نباشد. لذا اگر این موضوع عملی شود قطعا میزان آمار دادخواست های حقوقی با موضوعات خواسته های مطالبه ای ضرر و زیان وارده در سطح آمارهای رسمی و کلان جامعه به حداقل خواهد رسید و یک جامعه ای عاری از مسایل حاشیه ای و رفت و آمدهای بی مورد و بی اساس در دادگاه ها خواهیم شد.

از آنچه در فوق در خصوص تقصیر در اصطلاح مسئولیت مدنی گفته شده، می توان چنین استنباط نمود که بر اساس مستندات عقلی و به اصطلاح به حکم عقل، هر انسانی مسئول افعال و رفتارهای خویش است. ولی در مقابل نیازهای اجتماعی و گروه های موجود در یک جامعه ایجاب می کند که «ضرر نامشروع را نباید جبران نشده باقی گذاشت». گاهی اوقات اشخاص به عنوان مسئول اعمال و رفتار دیگران قرار گیرند. و در نتیجه ای همین مسئولیت غیر، مالکیت پاره ای از اشیاء خطرناک ضامن آثار نامطلوب آنها شود و مسئولیت آنها حکم عینی و واقعی پیدا می کند. آنچه گفته شده در حقوق و قاعده ای کلی ما این است که مسئولیت ناشی از تقصیر است. (جیمز بارایجز، ۱۹۰۸، ص ۹۹ و ۹۷)

ضمناً باید یادآور شد که در مفهوم تقصیر در اصطلاح ادبا و دکترین حقوق اختلاف وجود دارد، همچنانکه عده ای در تعریف تقصیر در مسئولیت مدنی می‌گویند که تقصیر یک نوع کاری است که نامشروع باشد و قابلیت انتساب به مرتکب را داشته باشد، در این حالت اگر همه ی این عناصر را دارا بود، می‌توان تقصیر را اثبات نمود.

در مقابل عده‌ای نیز در تعریف تقصیر می‌گویند: تقصیر، یک نوع تجاوز و تعدی از تعهدی است که شخصی در اجرای قرارداد کوتاهی کرده و یا تعهد مورد نظر را اجرا نموده است (مازو و شاباس، پیشین، ص ۴۴۵).

۴- مبانی فقهی مسئولیت مدنی

الف - اتلاف

ب - سبب

ج - لا ضرر

بطور کلی می‌توان گفت که برای اثبات و ایجاد مسئولیت چه مدنی و چه کیفری در فقه، قواعد و دلایل متعددی وجود دارد. به عنوان مثال، همانطوری که قاعده‌ی ید «علی الید ما اخذت حتی تودی» (رشتی، میرزا حبیب الله، ص ۱۱) به عنوان یکی از منابع مهم و حیاتی در حوزه‌ی مسئولیت در فقه است، ولی از آنجایی که یکی از شرایط استناد به آن مستولی شدن بر مال است لذا در این مقاله جای بحث نیست ولی اجمالاً می‌توان گفت که قواعدی که با موضوع مقاله انطباق دارند بطور کلی قاعده‌ی اتلاف «من اتلف مال الغیر فهوله ضامن» (بجنوردی، ج ۲، ص ۱۷) و قاعده‌ی تسبیب و قاعده‌ی لا ضرر «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» (موسوی بجنوردی، ج ۱، ص ۱۷۶ به بعد) می‌باشد که در زیر به توضیح و تفسیر این قواعد فقهی در باب مسئولیت مدنی پرداخته خواهد شد.

۴-۱- قاعده ی اتلاف:

مطابق این قاعده هر کس مال دیگری را از بین ببرد، در مجموع مسئول جبران خسارات وارده به صاحب آن مال می باشد. (همان، ص ۱۸) این قاعده همانطوری که در نوشته های بزرگان نیز یادآور شده به لحاظ تمیز و جدایی مسئولیت کیفری از مسئولیت مدنی صرفاً در مسئولیت مدنی کاربرد دارد و آنچه که در فقه از این قاعده نام برده می شود اتلاف بالمباشره است.

یعنی شخصی که مستقیماً در اتلاف مال شخص دیگر نقش داشته باشد. ولی همانطوری که در صفحات بعد به موضوع تسبیب اشاره خواهیم نمود، آن کس که مستقیماً در اتلاف مال دیگری نقش نداشته باشد، مسبب محسوب می شود و از حوزه ی بحث اتلاف خارج است.

برای اینکه ما بخواهیم تقصیر را در موضوع اتلاف در بحث مباشرت عمل خلاف اثبات کنیم، بهترین داور در این زمینه همانطوری که در کتاب ها و نوشته جات مفسرین حقوق و دکترین آمده، بعد از قانون و قرارداد، « عرف » می باشد، که برای اثبات این موضوع به لحاظ پیچیدگی و دشواری موضوع از آداب و رفتار عموم مردم استفاده می شود. (میر فتاح، ج ۲، ص ۳۵).

۴-۲- قاعده ی تسبیب:

در بیان علمی تسبیب چنان بیان شده است که هرگاه شخصی مال شخص دیگری را به طور غیر مستقیم تلف نماید، آن شخص به عنوان مسبب عمل تلف می باشد و مسئول جبران خسارات وارده می باشد. (نجفی، ج ۲، ص ۹۲ به بعد) مثلاً شخصی در معبری چاهی را حفر کند و شخص دیگری سنگی را در کنار چاه بگذارد و ثالثی به آن سنگ برخورد کند و به درون چاه بیفتد و از بین برود، در این فرض، شخصی که سنگ را در کنار چاه گذاشته از لحاظ عرف و فرهنگ جامعه مقصر محسوب می شود و مسبب این کار می باشد. در صورت کلی تفاوت هایی از لحاظ فقها در باب اتلاف و تسبیب وجود دارد که در زیر به آن اشاره می کنیم.

۱ - هر جا که شخص مستقیماً دست به کاری می‌زند که باعث اتلاف مال شود به آن اتلاف می‌گویند ولی هر جا که شخص زمین‌های فراهم آوردن اتلاف مال دیگری را بنماید ولی خود مستقیماً در امر تلف نقش نداشته باشد تسبیب است (علامه حلی، ج ۲، ص ۱۲۵).

۲ - تسبیب در همه‌ی موارد، ضمان آور نیست و در جایی که عرف آنرا تجاوز و عدوان «خلاف قانون» نداند آنرا مورد مواخذه و مسئول نمی‌داند. لذا در مقابل کاری که بر خلاف قانون و عرف باشد ضمان آور است و مسبب مسئول خواهد بود. (کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۱۴۷ به بعد) همچنانکه در اتلاف در عمده موارد موضوع تقصیر اثبات شده است و نیازی به نظریات و دیدگاه‌های عرفی نیست و مسئول تلف باید جبران خسارت را بنماید (نجفی، ج ۶، ص ۶۳۶).

برای توضیح بیشتر باید گفت که در فقه بسیاری از احکام وجود دارد که علم و آگاهی و جهل به موضوع در نقش آفرینی مسئولیت موثر خواهند بود. همچنانکه شخص در آتش‌افروزی که علم به سرایت آتش به ملک دیگری را دارد در این فرض مسئولیت محرز است و قابلیت دفاع را ندارد. ولی در جایی که شخص بدون علم و آگاهی و با جهل به موضوع آتشی را می‌افکند و افروختن آن به اندازه نیاز می‌باشد، ناگاه به ملک دیگری سرایت می‌کند که در فرض دوم، مسئول آتش‌افروزی مقصر نیست. (نایینی و خونساری، ج ۱، ص ۲۹۴) بطور کلی در فقه احسان و نیکوکاری در افعال و رفتار انسانها مانع از وجود ضمان و مسئولیت پذیری شخص می‌شود. چرا که در نظر مشهور فقها، قاعده احسان و نیکوکاری در اتلاف و از بین بردن مال دیگری نقشی ندارد و مسئول جبران خسارت وارده مال متلف نیست. به این دلیل که شخص نیکوکار قصد و نتیجه اش از این فعل، کمک و مساعدت به ممنوع خود بوده است و فرض نیست که کسی که در کمال احترام و همکاری احساس کمک نموده است. او را مسئول جبران خسارت بدانیم.

۴-۳- قاعده لاضرر

همانطوری که در متن این مقاله به کرات در خصوص ضرر و ماهیت این قاعده اشاراتی شده است که لزوم جبران ضرر، از قدیمی‌ترین و بنیانی‌ترین موضوعی است که در مسئولیت مدنی از دیر باز مورد توجه قرار گرفته و اعظم قواعد فقهی از این قاعده «لاضرر» سرچشمه و نشأت می‌گیرند. در حقوق اسلام به قاعده لاضرر به لحاظ تثبیت عدالت در حوزه علوم دینی، فقهی و قضایی مورد توجه شدید قرار گرفته است. هر چند که مدرک و مستند لاضرر مورد ضمان قرار نگیرد ولی به‌عنوان پایه و رکن اساسی جبران خسارت قرار خواهد گرفت (موسوی، بجنوردی، محمد حسن، پیشین، ص ۱۷۸).

متن قاعده «لاضرر ولا ضرار فی الاسلام» (نجفی، ج ۳۷، ص ۱۵) از حدیث نبوی صدر اسلام اقتباس شده است. این قاعده و چنان می‌گوید که هیچ ضرری در اسلام نباید باشد. علیرغم اینکه در بودن و وجود آن هیچ کسی منکر آن نیست و به وفور یافت می‌شود. ولی مفهوم قاعده این است که نباید ضرری بدون جبران باقی بماند. درخصوص قاعده لاضرر نظرات و دیدگاههای متفاوتی در خصوص چگونگی اعمال این قاعده بیان شده است.

الف: عده‌ای بر این باورند که منظور از ضرر، نهی و نفی و ایجاد نکردن ضرر است یا اینکه نباید به دیگری ضرری رسانده شود (نایینی، ج ۲، ص ۲۰۰).

ب: گروهی دیگر این عقیده را دارند که همانطوری که قانون‌گذار حکم ضرری را نفی نموده لذا به استناد حکم قانون نباید به دیگری ضرری وارد نمود. (انصاری، ج ۲، ص ۳۷۲) که این موضوع به نظر می‌رسد بحث اجبار و عدم تمرد از قانون است که در این نظریه پیش می‌آید. چرا که انسان در افعال و رفتارهای خویش مختار است و اینکه مطابق قانون نباید به دیگری ضرری وارد نمود این یک موضوع جدای از این مبحث است.

ج: جمعی نیز به این تفکر هستند که چون ضرر جبران نشده را نمی‌توان ضرر نامید، لذا مقصود شارع و قانون‌گذار این بوده که هیچ ضرری نباید جبران نشده باقی بماند. و یا اینکه هر نوع ضرری باید بی جبران باقی نماند (همان، ص ۳۷۳).

د: در نهایت محقق خراسانی «آخوند ملا محمد کاظم» تمام نظرات فوق را رد نموده و نظر صحیح را این‌گونه بیان کرده که همانطوری که اصل و پایه‌ی ضرر نفی شده است، در مقابل نیز حکم ضرری نیز از بین رفته است. یعنی نیازی به توضیح و تفسیر فراوان ندارد چرا که ضرر از اصل مخدوش و منتفی است (خراسانی، ج ۲، ص ۷۲).

۵- مبانی قانونی مسئولیت مدنی

از آنجایی که قانون‌گذار در جهت تسهیل امر زندگی انسانها دست به وضع و تفسیر یکسری از قوانین می‌زند تا اینکه مردم جامعه بهتر بتوانند با هم به زندگی مشترک ادامه بدهند. در این میان نیز قوانین گسترده‌ای در خصوص حوزه‌ی فعالیت و قلمرو کاری مسئولیت مدنی به نگارش و مرحله‌ی اجرا در آمده که در زیر به آن‌ها اشاره می‌نماییم.

۵-۱- در ماده‌ی (۳۰ ق.م.) از چهار عنوان غصب- اتلاف- تسبیب- استیفاء به عنوان ضمان قهری نام برده شده است، و مسئولیت مدنی غیرقراردادی را در زمره‌ی این ماده با توضیحاتی که هر کدام را شامل مواردی می‌شود در بر می‌گیرند و به صراحت در ماده (۳۲۸ ق.م.) اشاره شده که هر کس مال دیگری را تلف نماید ضامن تلف آن است، و باید مثل یا قیمت آن مال را بدهد. فارغ از عمدی یا غیرعمدی بودن تلف مال و اگر نقصی در مال بوجود آورده نیز باید آن نقص را بر طرف کند. مطابق (ماده ۱۲۱۵ ق.م.).

۵-۲- در ماده‌ی (۳۳۴ ق.م.) نیز در باب تسبیب اشاراتی داشته که می‌گوید: «مالک یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می‌شود مگر در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد».

در این ماده تقصیر رکن اصلی و رکن ماده است یعنی اگر صاحب حیوان در نگهداری از آن تقصیر کرده باشد و ثابت شود در این صورت ضامن خسارات وارده به زیان دیده خواهد بود (امامی، ج ۱، ص ۳۹۶).

۳-۵- در ماده‌ی (۳۳۲ ق.م) نیز در موضوع اجتماع سبب و مباشر نیز اشاره‌ای داشته که می‌گوید هر گاه یک نفر سبب تلف مالی شود و دیگری مباشر در تلف شدن مال شود، خود مباشر ضامن تلف مال است، مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد. این ماده که با استثناء لحاظ شده است در قسمت اول ماده مباشر را بطور حتم ضامن تلف مال می‌نماید و مسئول است.

ولی در قسمت دوم ماده اشاره به شخصی دارد که در تلف مال سهم بسیاری در فراهم آوردن اسباب و مقدمات تلف بوده است که به مسبب اشاره می‌نماید و می‌گوید اگر شخصی مسبب بیشترین تاثیر را در تلف مال داشته باشد در این خصوص مسبب بر مباشر اقوی است و مسبب در قسمت دوم ماده ضامن تلف مال خواهد بود. (رشتی، میرزا حبیب الله، پیشین، ص ۴۰-۳۷) هم‌چنین در ماده (۱ ق.م.م. مصوب ۱۳۳۹) نیز به صراحت در خصوص ضرر و زیان مادی و معنوی به شخص دیگری را موجبات درخواست جبران خسارت اعم از مادی یا معنوی داشته و هرگونه تعدی و تجاوز را اعم از عمدی یا غیرعمدی که برای افراد ایجاد شده باشد را در بر می‌گیرد و این ماده نیز بطور واضح اشاره می‌نماید که هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند و می‌گوید که هر گاه کسی به دیگری ضرری وارد نماید باید خسارات وارده پرداخت شود.

بخش دوم : جایگاه تقصیر در مسئولیت کیفری

۱- بیان تعاریف و مفاهیم مسئولیت کیفری

۱-۱- تعریف مسئولیت کیفری

در تعریف مسئولیت کیفری اختلاف نظرهای متفاوتی وجود دارد. عده‌ای از حقوق‌دانان مسئولیت کیفری را عبارت دانسته‌اند از «قابلیت» یا «اهلیت» شخص برای تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه‌ی خود. (صانعی، ۱۳۴۸، ص ۷۵)

پرواضح است که این تعریف شایستگی و دارا بودن شخص را از نظر عقلی بیان می‌کند. زیرا شخصی که از لحاظ عقلی دارای اختلال حواس است از مسئولیت کیفری مبرا است. (ماده ۱۴۹ ق. م. ا. ۱۳۹۲) همچنان که عده‌ای نیز مسئولیت کیفری را به شکل دیگری بیان می‌نمایند و می‌گویند که مسئولیت کیفری عبارت است از این که تبعات جزایی رفتار مجرمانه شخص بر او الزام یا تحمیل گردد.

(نبرای، چاپ سوم، بنغازی، ص ۲۱۷)

در نظریه‌ی گروه دوم از حقوق‌دانان در خصوص تعریف مسئولیت کیفری نیز ایرادی وجود دارد و آن اینکه بطور مطلق تمام اشخاص را در صورت انجام فعل مجرمانه، سزاوار و شایسته‌ی تحمل مجازات دانسته که با این وصف نیز قید مجانین و صغار از این تعریف خارج شده است.

۱-۲- از تعریف دیگر مسئولیت کیفری چنین بر می‌آید که شخص در قبال تعرض به دیگران ملزم به پاسخگویی می‌شود که این پاسخگویی خواه جهت حمایت از حقوق تضییع شده‌ی شخص باشد، خواه به منظور رفع حقوق تضییع شده‌ی جامعه باشد که در مجموع تحت عنوان «مسئولیت کیفری» (توفیق رضا، قاهره، ص ۲۶۵) یا «مسئولیت جزایی» مطرح می‌شود. با این وجود در هیچ یک از قوانین جزایی چه در گذشته و چه حال، ماهیت حقوقی تعریف مسئولیت کیفری مشخص نشده است. لذا هر آنچه که در تعاریف بیان شده در واقع نوعی مصادیق مسئولیت کیفری می‌باشند که در اذهان و نوشته‌ها مورد توجه قرار گرفته است. به هر حال مسئولیت

کیفری نوعی اقدام شخص به پاسخگویی آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزایی یا جرم است.

۳-۱- دیدگاه کیفرشناسان در مورد مسئولیت کیفری

از دیدگاه کیفری ارتکاب جرم یا هر نوع تخطی از قانون به خودی خود موجب مسئولیت کیفری نیست، بلکه برای ارتکاب شرایطی باید جمع باشند تا اینکه مسئولیت کیفری به وقوع بپیوندد. (میر سعیدی، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۹۵ به بعد) که در زیر به آنها به تفکیک اشاره خواهیم کرد:

الف) رفتار مجرمانه مرتکب فعل، باید بر اساس اراده و اختیار باشد.

ب) سوء نیت عمدی همراه با علم و آگاهی مرتکب نیز باید محقق شود.

ج) رابطه‌ی علیت بین فاعل جرم و جرم محقق شده باید وجود داشته باشد.

بطور کلی از این موضوع چنان می‌توان نتیجه گرفت که مسئول شناختن فرد از لحاظ کیفری صرف ارتکاب عمل مجرمانه نیست، لذا باید شرایط فوق با هم جمع شوند تا اینکه فعل مجرمانه را به شخص منتسب نماییم.

۲- تقصیر در مسئولیت کیفری

همانطور که در بخش اول، واژه‌ی تقصیر در مسئولیت مدنی بررسی و بیان شده، اکنون در بخش دوم، تقصیر را در مسئولیت کیفری بررسی و توضیح خواهیم داد.

۲-۱- تعریف تقصیر در مسئولیت کیفری: تقصیر در حقوق جزا و به اصطلاح در حوزه‌ی مسئولیت پذیری کیفری در لغت، به برخورداری کردن از انجام عملی گفته می‌شود. (جبران، ج ۲، چاپ سوم، ص ۱۱۸۱) که شخص با وجود توانایی و شایستگی انجام کار، آنرا انجام نمی‌دهد. (همان، ص ۱۱۸۲) در نقطه‌ی مقابل قصور و کوتاهی کردن آمده است که بر ترک عملی به سبب عجز و ناتوانی از انجام آن اطلاق می‌شود (المقری الفیوی، چاپ اول، ص ۵۰۵).

که مناسب این واژه اصطلاح جهل تقصیری و جهل قصوری آمده است (جعفری لنگرودی، محمد جعفر، پیشین، ص ۱۷۵).

همچنانکه در حقوق مدنی از واژه‌ی تقصیر بر ترک عملی که شخص ملزم به انجام آن است، تفریط و ارتکاب عملی که از انجام دادن آن منع شده است، تعدی نام برده شده است، لذا در حقوق جزا تقصیر در معانی مختلف به کار رفته است.

۲-۲- واژه‌ی تقصیر در معنای اخص، منحصر به بی‌احتیاطی و غفلت یاد شده است. (همان، ص ۱۷۶) که در نقطه‌ی مقابل قصد مجرمانه به کار می‌رود. یعنی این‌که شخص با علم و آگاهی قصد انجام این عمل مجرمانه را دارد. چون در حقوق جزا قصد مجرمانه از مهمترین عناصری است که بتوان با آن تقصیر شخصی را اثبات نمود. بسیاری از نویسندگان جزایی این شیوه از تقصیر (به معنای اخص) را تحت عنوان «خطای غیر عمدی» یا «خطای جزایی» معرفی نموده اند.

۲-۳- تقصیر در معنای اعم عبارت است از رابطه‌ی ذهنی و روانی که بین فاعل و مفعول برقرار می‌شود. که در حقوق فرانسه به این نوع رابطه تحت عنوان «رکن معنوی» یا «رکن روانی» جرم نام برده شده است. یعنی در تقصیر از نوع اعم، کلیه ملزومات تقصیر اعم از قصد مجرمانه و بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی و غفلت که هر دو در ناحیه‌ی عمدی و غیرعمدی فعل قرار می‌گیرند را شامل می‌شود.

این شیوه از تقصیر که در بند دوم (معنای اعم) اشاره شده است. در حقوق ایتالیا به معنای «خطا» تعبیر شده است (colpevolezza).

بطور کلی می‌توان گفت که تقصیر در معنای اخص همان خطای جزایی می‌باشد و هر جا که تقصیر در معنای اعم بکار برده شد، تقصیر جزایی ملاک نظر خواهد بود. تقصیر در معنای کاربردی و مفهومی همان رابطه روانی فاعل جرم است که بین فعل مجرمانه و فاعل جرم محقق می‌شود که به اصطلاح علم و آگاهی در ارتکاب جرم است.

در تحقق نظریه تقصیر در حقوق جزا دو نظر عمده و مستند وجود دارد که یکی به نظریه‌ی روانی معروف است که می‌گویند: صرف برقراری رابطه سببیت بین «اراده» و رفتار مجرمانه ماهیت تقصیر توصیف می‌شود. (رمسیس، ۱۳۷۵، ص ۵۸۶) یعنی همین که شخص اراده کرد که این فعل مجرمانه را انجام بدهد و قصد مجرمانه اش ثابت شد، تقصیر جزایی مرتکب فعل مجرمانه محرز خواهد شد.

نظریه‌ی دیگری که به نظریه‌ی قانونی معروف است بدین سان است که بین اراده‌ی شخص مجرم و تکلیف قانونی که در قانون از آن یاد شده تعارض واقع می‌شود و این تعارض معرف ماهیت تقصیر است. (صانعی، پرویز، پیشین، ص ۳۰۵) یعنی چون شخص دست به ارتکاب جرم می‌زند و در واقع از تکلیف قانونی سرپیچی می‌نماید لذا بین شخص مجرم و نص قانون تعارض بوجود می‌آید که این تعارض یک نوع تقصیری است که از طرف مرتکب فعل مجرمانه احداث می‌شود.

۳- انواع مسئولیت کیفری

۳-۱- بطور کلی در متون حقوق جزایی مسئولیت کیفری به دو شاخه عملی و کاربردی تقسیم می‌شود.

۳-۱-۱- مسئولیت کیفری «بالقوه» یا به نوعی مجرد- انتزاعی- است (رمسیس، پیشین، ص ۵۷۹) که در این مسئولیت شخص دارای اهلیت تحمل تبعات جزایی می‌باشد. یعنی شخص در مرحله ابتدایی و در زمان ارتکاب عمل مجرمانه این تشخیص داده می‌شود که اهلیت و توانایی و شایستگی تحمل عواقب و سزای مجازات جزایی عمل انجام شده را دارد یا نه و به همین دلیل است که شخص را مستحق مجازات مثلا حبس یا پرداخت دیه یا جزای نقدی می‌دانند.

قابل ذکر است که این جنبه از مسئولیت کیفری در شخص، چون ناظر به وضعیت و صفتی خاص در شخص است که موجبات اهلیت و قابلیت توانایی تبعات مجازات را پیدا می‌کند. لذا تا هر زمانی که رفتار مجرمانه‌ای از شخص صادر نشود، آن شخص مسئولیت بالقوه و انتزاعی را در خود نمایان نمی‌کند و مفهوم مخالف آن این است که هر زمان شخص رفتار مجرمانه‌ای از او سرزده است بدین معنا است که شخص اهلیت تبعات جزایی جرم را پیدا کرده است.

۳-۱-۲- جنبه و شقه‌ی دیگر مسئولیت کیفری، مسئولیت بالفعل یا واقعی و یا به تعبیری «عینی» (عوضی، اسکندریه، ص ۴۱۶) می‌باشد که در این مرحله از مسئولیت کیفری، شخص در برابر رفتار مجرمانه‌ای که از او سرزده است در اینجا ناچارا و الزاما مجبور به تحمل تبعات جزایی جرم است که در این جا است که

می‌گویند شخص مسئولیت کیفری بالفعل یا عینی پیدا کرده است. مفهوم این موضوع از مسئولیت کیفری بالفعل بدین شکل است که شخص به خاطر جرمی که مرتکب شده است، تبعات جزایی آن را هم به قهر و اجبار تحمل می‌کند. در مقابل این شیوه از مسئولیت کیفری قاعده‌ی «الغنم» (من له الغنم فعلیه الغرم) نیز در مسئولیت مدنی قابلیت مصداق و مقایسه دارد که به موجب این قاعده: «هرکس نفع کاری را می‌برد، ناگزیر باید ضرر آن کار را نیز به دوش بکشد.» در مسئولیت کیفری از نوع بالفعل، چون شخص عملاً رفتار مجرمانه‌ای از او سرزده است به ناچار باید تاب و توان تحمل تبعات مجازات جزایی آن را نیز به دوش بکشد و تحمل نماید.

۳-۲- در خصوص قلمرو مسئولیت کیفری نیز باید یاد آور شد که اهلیت و توانایی که در مسئولیت کیفری بالقوه مورد اشاره قرار گرفت در واقع همان قلمرو مسئولیت کیفری بطورعام (کمال الدین امام، چاپ اول، بیروت، ص ۷۹) است که ابتدا و جرقه مسئولیت از همان لحظه آغاز می‌شود و تا مرحله صدور حکم و اجرای آن موضوع قلمرو مسئولیت کیفری به اتمام می‌رسد. لذا باید گفت که مسئولیت کیفری به شکل واقعی و عینی در مرحله دوم از قلمرو مسئولیت کیفری قرار دارد چرا که برای تعیین مجازات هر شخصی، ابتدا باید اهلیت و توانایی شخص را مد نظر قرار داد که در اینجا موضوع به روشنی قابل بیان است و نیازی به توضیح بیشتر نمی‌باشد.

۴- تفاوت مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری

۴-۱- بطور کلی باید اذعان نمود که الزام شخص به پاسخگویی در برابر تعرضات به دیگران، خواه به جهت حمایت از حقوق اشخاص (مسئولیت مدنی) و خواه به جهت دفاع از جامعه (مسئولیت کیفری) تحت عنوان مسئولیت کیفری یا جزایی (آزمایش، دانشکده حقوق تهران، ص ۲۱۵) مطرح می‌شود. با همه‌ی این اوصاف در هیچ یک از قوانین جزایی چه در گذشته و چه اکنون، تعریفی دقیق و روشن از مسئولیت کیفری نیامده، لذا با توجه به مصادیق و رفتارهای مجرمانه اشخاص که

نوعی الزام شخص به منظور پاسخگویی به رفتار ناپسند خود را در جامعه دارد تعریف می‌نماید. در واقع مسئولیت کیفری یک پل و یک جاده ارتباطی است بین مجرم و جرم - یعنی عملی که جرم تلقی می‌شود- باید به نحوی به یک شخص منتسب شود که این شخص همان مجرم است.

از دیدگاه حقوق کیفری و تئوریهایی حقوق (یعنی نظریه پردازان علم حقوق) ارتکاب هر نوع تخطی از قانون به تنهایی موجب احاطه و فراگیری مسئولیت کیفری نیست، بلکه باید شرایطی به شکل جمع آن شرایط وجود داشته باشند تا مسئولیت کیفری محقق شود (محمد هادی، ج اول، چاپ دوم، ص ۱۹۸) که این شرایط قبلاً در مبحث «بند ۱ از بخش دوم مقاله در بیان تعاریف مسئولیت کیفری» به وضوح اشاره شده است که به نظر می‌رسد ذکر این مطالب تکراری و نیاز به ارایه مجدد نمی‌باشد.

۴-۲- بطور کلی بین مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی تفاوت‌های زیادی مشهود است که در نظریات و دیدگاه‌های حقوق دانان برجسته آمده است. از جمله ؛

۴-۲-۱- در مسئولیت کیفری ضرر و زیان وارده بیشتر متوجه جامعه می‌شود چون عمل ارتكابی شخص، محل نظم جامعه است و این بی‌نظمی باعث اضرار به دیگران است. در صورتی که در مسئولیت مدنی چون عمل ارتكابی شخص محل نظم عمومی نیست، لذا جامعه از خود دفاع نکرده و متضرر از جرم «شخص خواهان» بایستی خسارت‌های وارده از ناحیه زیان زنده را مطالبه نماید. (کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۶۵ به بعد) پس مفهوم این بند از تفاوت به این شکل است که مسئولیت مدنی در مقابل فرد است و مسئولیت کیفری در مقابل جامعه می‌باشد.

۴-۲-۲- هدف از مسئولیت کیفری مجازات جرم است که به منظور دفاع از جامعه، پاسداری از نظم، جبران خسارت‌های عمومی، اصلاح و تنبه سایر افراد به مورد اجرا گذارده می‌شود، در حالی که هدف از مسئولیت مدنی صرفاً جبران خسارات شخص زیان دیده است.

۴-۲-۳- بعضی از جرایم در مسئولیت کیفری وجود دارند که کمابیش مجازات سنگینی دارند. (میر سعیدی، سید منصور، پیشین، میان، ص ۴۸-۳۶) ولی چون

برای دیگران اضرار ایجاد نمی‌کنند با مسئولیت مدنی همراه نیستند مثل؛ ولگردی- تکدی‌گری، ولی برخلاف آن در مسئولیت مدنی، هر نوع جبران خسارت در مسئولیت مدنی لزوماً جرم نیست و موجب مسئولیت کیفری نمی‌شود مثل تصرف مالک در ملک خود که به شخص همسایه در اثر این تصرف ضرر وارد می‌نماید.

۴-۲-۴- در مسئولیت کیفری برای تحقق جرم، وجود قصد انجام عمل مجرمانه و یا تحقق عنصر روانی جرم «تقصیر یا اشتباه جزایی» (همان، ص ۸۷-۶۵) که شامل: بی احتیاطی- بی مبالاتی- عدم مهارت - عدم رعایت نظامات دولتی- است از سوی مرتکب جرم در کلیه‌ی جرایم عمدی و غیر عمدی اثبات آن الزامی است. ولی در مسئولیت مدنی نیازی به اثبات قصد انجام فعل مجرمانه وجود ندارد بلکه خطایی که شخص انجام می‌دهد موجب ایجاد مسئولیت مدنی می‌شود، که به طور معمول از همان تقصیر جزایی که مصادیق آن در فوق اشاره شده که برای خطا و اثبات تقصیر در مسئولیت مدنی لحاظ می‌شوند.

۴-۲-۵- احراز و اثبات مسئولیت کیفری نیازمند عمیق به شخصیت بزه‌کار (ولیدی، تهران، ۱۳۸۸، چاپ اول، ص ۲۴۴) می‌باشد. یعنی هویت و شخصیت بزه‌کار باید برای قاضی اثبات و احراز شود. (چه خصوصیات فردی و چه خصوصیات اجتماعی فرد). اما در مسئولیت مدنی، رفتار و هویت شخص از نظر عرف مورد ملاک و محاسبه خواهد بود.

۴-۲-۶- مراحل کشف و رسیدگی و تعقیب جرم در امور کیفری به وسیله ضابطان دادگستری و مقامات دادرسی انجام خواهد شد در حالی که مراحل رسیدگی و تشریفات قضایی در امور مدنی با ارایه طرح دعوا در دادگاه حقوقی قابل رسیدگی می‌باشد.

۵- مبانی قانونی مسئولیت کیفری

بطور اجمال چون قانون‌گذار وجود ذی وجود است که در جامعه به‌عنوان اهرم گسترده‌ی عدالت و قضاوت است، پس برای جبران گسترش این اهرم، ناگزیر به وضع و اجرای قوانینی دست خواهد زد که نقض‌کننده‌ها و متخلفین از قانون را

به واسطه‌ی قانون لاحق به مجازات قانونی خود خواهند رسید. لذا در همین زمینه قانون‌گذار به طور تفصیل و مشروح، موادی از قانون مجازات اسلامی را چه در سال ۱۳۷۰ و چه در قانون مجازات اکنون در سال ۱۳۹۲ به رشته تحریر در آورده است که از (مواد ۴۹۲- ۵۳۷ ق. م. ا. ۱۳۹۲) به طور واضح و مشروح به بحث ضمان و مسئولیت اشاره نموده که در صورت ورود خسارت به دیگری و یا مواردی که با مباشرت- تسبیب- مشارکت- معاونت باشد همگی در نص قوانین ذکر شده و به لحاظ جامعیت بودن موضوع مسئولیت کیفری هر کدام به تناسب جرم، مرتکب مجازاتی را مطابق با (ماده ی ۱۹ ق. م. ا. ۱۳۹۲) در نظر گرفته شده است.

در این مواد از قانون که در فوق آمده جمله‌ی آنها به بحث شرایط ایجاد و پرداخت ضمان است که شخص در نتیجه عمد یا غیر عمدی مسئولیت کیفری را ایجاد می‌کند و به همین واسطه باید شخص، مسئولیت جبران خسارتی را که به بار آورده، جابگو باشد. لذا در این مقوله، چون مسئولیت کیفری با پرداخت خسارت که در مسئولیت مدنی وجود دارد قابل قیاس نیست و در اینجا اضرار به جامعه ملاک عمل خواهد بود، لذا شخص باید پاسخگوی رفتار مجرمانه خود در قبال تخطی و تخلفی که به حقوق جامعه و به‌طور کلی به یک کشور وارد نموده، باشد که نتیجه آن النهایه، حبس یا جزای نقدی خواهد بود.

همچنین در (مواد ۷۱۴-۷۲۵ ق. م. ا. ۱۳۹۲) نیز به بحث مسئولیت کیفری اشخاصی که در اثر رانندگی در خطای جزایی یا تقصیر مرتکب می‌شوند را شامل شده است. که این موضوع نیز در زمره جرایم غیر عمدی از بحث مسئولیت کیفری قابل دفاع و استناد می‌باشد، که هرگاه یک راننده‌ای بر اثر بی‌احتیاطی- بی‌مبالاتی- عدم مهارت- عدم رعایت نظامات دولتی- مرتکب قتل غیر عمدی شود و یا در نتیجه‌ی این عمل مرتکب ضرب و جرحی شود یا به واسطه‌ی همین فعل، مرتکب وارد کردن ضربه که منجر به بیماری یا مرض جسمی بشود در این صورت به لحاظ تحقق عنصر روانی جرم که همان تقصیر جزایی (صانعی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۱) است مرتکب مستوجب مجازاتی اعم از حبس یا جزای نقدی خواهد بود.

به طور قطع و یقین می‌توان ادعا نمود که با توجه به ازدیاد و توسعه روز افزون ناوگان حمل و نقل شهری در جامعه و از طرفی نیز به لحاظ شایع شدن موضوع و مشغله‌های فکری و روحی افراد و در جهت ایجاد و گسترش حوزه‌ی عدالت در جامعه، قانون‌گذار ناچاراً به وضع و تصویب این جمله از قوانینی که ناشی از خطای رانندگی نموده تا به همین واسطه رانندگان نسبت به اجرای کامل قوانین و مقررات و آیین نامه‌های رانندگی نهایت دقت و اطاعت از قوانین را در همین زمینه بنمایند.

۶- نتیجه گیری

از میان نظریات و دیدگاه‌های علمای حقوق که در متن این مقاله از آنها به خوبی استفاده شده و رنگ و بوی خوشی به طرح ابرازی مقاله داده، بر می‌آید که مسئولیت چه از حیث کیفری و چه از حیث مدنی در معنای عام کلمه، قابلیت پاسخگویی و جبران خسارت است و آنان که موضوع را تفکیک می‌نمایند و قایل به مسئولیت کیفری یا مسئولیت مدنی می‌باشند بطور قاطع می‌توان گفت که وجه تمایز در فرد و جامعه است که هر گاه ضرر متوجه شخص شود می‌گویند مسئولیت مدنی چه در حوزه «قراردادی» و چه در حوزه مسئولیت مدنی «قهری» ایجاد شده است. که در نهایت شخص الزام به پرداخت خسارت خواهد بود. لکن در زمانی که مسئولیت متوجه می‌شود یعنی طیف عظیمی از جامعه در اثر این بی‌نظمی و مخل بودن رفتار شخص، جامعه بطور کلی متضرر می‌شود و به اصطلاح ضرر از حالت شخصی به ضرر «نوعی» تبدیل می‌شود که در این پدیدار مسئولیت کیفری حاصل می‌شود که در این میان طرف دعوی پرونده، دادستان یا مدعی العموم خواهد بود که باید جبران مافات شود.

لذا برای روشن شدن ذهن مخاطب بطور کلی از این موضوعات مطروحه در این مقاله این گونه مستفاد می‌شود که هر گاه تقصیر و بی‌احتیاطی و خطا در انجام رفتار شخص بر اثر ندانم کاری و عدم آگاهی باشد، مسئولیت بصورت کیفری خواهد بود و در این حالت شخص زیان‌دیده باید تقصیر زیان‌زننده را اثبات نماید و لیکن در جایی که در بین اشخاص، قراردادی موجود است در حوزه مسئولیت

مدنی دیگر شخص متضرر از خسارت، نیازی به اثبات تقصیر ندارد و دارا بودن قرارداد بین طرفین افاقه می‌نماید. و تقصیر به خودی خود اثبات شده تلقی می‌گردد. ولی در مسئولیت مدنی از نوع قهری، اثبات تقصیر و کوتاهی در رفتار علی القاعده می‌بایست توسط متضرر از خسارت اثبات و پرداخت شود.

۷- منابع و مأخذ:

الف (منابع فارسی

- ۱- قانون مجازات اسلامی مصوب اردیبهشت ۱۳۹۲
- ۲- قانون، مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹
- ۳- قانون مدنی با آخرین ویرایش در سال ۱۳۸۷
- ۴- کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، ج ۱، قواعد عمومی، چاپ ۱۲، انتشارات دانشگاه تهران
- ۵- محقق داماد، مصطفی، ۱۳۷۴، قواعد فقه مدنی، ج ۱، تهران، انتشارات سمت
- ۶- قاسم زاده، سیدمرتضی، الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، ج ۱، چاپ دوم، انتشارات جنگل
- ۷- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۵، چاپ اول، انتشارات بنیاد راستا
- ۸- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی و وقایع حقوقی، چاپ ۳۰، ج ۲، انتشارات دانشگاه تهران
- ۹- ژوردن پاتریس، ۱۳۸۲، اصول مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات میزان
- ۱۰- ساواتیه، رساله‌ی مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه، چاپ دوم، ج ۱، ش ۱۰۹
- ۱۱- مازو و شاباس، دروس حقوق مدنی، ج ۲، تعهدات، ش ۳۹۷
- ۱۲- بادینی، حسن، فلسفه‌ی مسئولیت مدنی، رساله‌ی دکتری ۱۳۸۴، با مقدمه دکتر ناصر کاتوزیان، شرکت سهامی انتشار

- ۱۳- میر سعیدی، سید منصور، مسئولیت کیفری، ج ۱، چاپ سوم، انتشارات میزان
- ۱۴- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات ژوبین، ۱۳۷۵، چاپ نهم، ج ۱
- ۱۵- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ج ۱
- ۱۶- ابوالمحمد، عبدالحمید، فرهنگ اصطلاحات حقوقی، ج ۲، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳ شمسی
- ۱۷- انصاریان، عزت الله، مبنای مسئولیت جزایی و مقایسه‌ی آن با مسئولیت مدنی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- ۱۸- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، ج ۵، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۷
- ۱۹- صناعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۲، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۱
- ۲۰- صفایی، سیدحسن، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۵
- ۲۱- کاتبی، حسینقلی، فرهنگ حقوق، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۶۳
- ۲۲- مبسوط در ترمینولوژی، دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، ج ۵، ص ۳۳۲۴ ردیف ۱۲۶۱۲
- ۲۳- ترمینولوژی حقوق، دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، ص ۶۴۲ شماره ۵۱۱۴
- ۲۴- مازو و شاباس، دروس حقوق مدنی، ج ۲، تعهدات، ش ۳۷۴
- ۲۵- مالوری و انس، تعهدات، ش ۲۲
- ۲۶- ناصرکاتوزیان، مسئولیت مدنی خارج از قراردادها، ج ۱، ص ۶۰ به بعد
- ۲۷- حقوق مدنی قلمرو مسئولیت مدنی، دکتر یزدانپان، ص ۴۶-۴۷
- ۲۸- مسئولیت مدنی خارج از قراردادها، ج ۱، دکتر ناصرکاتوزیان، ص ۶۰ به بعد.
- ۲۹- دکتر ناصرکاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی وقایع حقوقی، ص ۱۲-۱۶

- ۳۰- الزامات و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، دکتر سید مرتضی قاسم زاده، ص ۱۸
- ۳۱- ارجمند دانش، جعفر، ۱۳۸۸، ترمینولوژی حقوق جزای اسلامی، چاپ اول، انتشارات بهبهانی
- ۳۲- نقل از مازو، دروس حقوق مدنی، ج ۲، تعهدات، ص ۴۴۳
- ۳۳- جیمز بارایجز، استاد حقوق هاروارد، حقوق و اخلاق: مجله دانشکده حقوق هاروارد ۱۹۰۸، ص ۹۷ و ۹۹
- ۳۴- نقل از مازو، درس حقوق مدنی، ج ۲، تعهدات، ش ۴۴۳

ب (منابع عربی

- ۳۵- انصاری، شیخ مرتضی، المكاسب، کتاب البیع، تبریز، بی تا
- ۳۶- بجنوردی، محمد حسن، ۱۳۷۱، القواعد الفقهیه، قم، اسماعیلیان
- ۳۷- ابن قدامی، موفق الدین، شمس الدین، المغنی، بیروت، دارالکتب العربی
- ۳۸- عبدالله الشرفی، علی حسین، الباعث واثره فی المسئولیه الجنائیه، چاپ اول، صنعاء، الزهراء للاعلام العربی، ۱۹۸۶ م
- ۳۹- وافی، علی عبدالواحد، المسئولیه و الجزاء، مصر، دارالحیاء الکتب العربیه، ۱۹۴۵ م
- ۴۰- میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۱۷
- ۴۱- میرفتاح، عناوین، شهیدثانی، مسالک الافهام، ج ۲، کتاب غضب
- ۴۲- ر. ک. شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، کتاب غضب، ص ۹۲ به بعد
- ۴۳- علامه حلی، تذکره، ج ۲، کتاب غضب

- ۴۴- شیخ مرتضی انصاری، مکاسب، چاپ حاج میرزا آقا، ص ۳۷۲.
- ۴۵- نقل از مکاسب، همان کتاب، ص ۳۷۲
- ۴۶- آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، کفایه الاصول، ج ۲، ص ۷۲.
- ۴۷- ر.ک. توفیق رضا، حسین، اهلیه العقوبه فی الشرایع الاسلامیه و القانون المقارن، قاهره، ص ۲۶۵
- ۴۸- مسعود، جبران، الرائد معجم لغوی عصری، ج ۲، چاپ سوم، بیروت، دارالعلم للملایین، ص ۱۱۸۱
- ۴۹- مسعود، جبران، الرائد معجم لغوی عصری ج ۲، چاپ سوم، بیروت، دار العلم للملایین، ص ۱۱۸۲
- ۵۰- المقرئ الفیوی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المیزفی غریب الشرح الکبیر للرافعی، چاپ اول، ایران، مؤسسه دار الهجرة، ص ۵۰۵